

سرفصل‌هایی از سیره امام موسی صدر



مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی

www.imamsadr.ir



اعضای هیئت یاری جنوب، روستای کفرشویا، پس از بمباران نیروهای اسرائیل، ۲۰ خرداد ۱۳۵۴. حاضران از چپ به راست: اسقف باسیلیوس الخوری اسقف کلیسای کاتولیک مناطق صیدا و دیرالقمر، شیخ نجیب قیس قاضی شرع دروزیان حاصبیا، امام موسی صدر رئیس هیئت یاری جنوب، اسقف بولس الخوری اسقف روم ارتودکس جنوب، شیخ احمد الزین قاضی شرع اهل تسنن صیدا، اسقف جورج حداد اسقف کلیسای کاتولیک مرجعین.

امام موسی
صدر؛ سال‌های
تحصیل در حوزه
علمیه قم



تولد ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ در شهر قم و ربایش
در ۹ شهریور ۱۳۵۷ در طرابلس لیبی.

۱۳۰۷

۱۴ خرداد: سید موسی صدر در شهر قم در
خانواده‌ای شهره به علم متولد شد. نسب
خانوادگی او به سید صالح اهل روستای
شحور منطقه جبل عامل در جنوب لبنان
می‌رسد. آنان از نسل امام موسی بن جعفر^(ع)
هستند. پدر او آیت‌الله سید صدرالدین صدر،
از مراجع ثلاث قم و مادرش بی‌بی صفیه،
دختر آیت‌الله حاج آقا حسین قمی، مرجع
عالی قدر شیعیان، بودند.

۱۳۱۳

تحصیلات ابتدایی را در قم آغاز کرد و در سال ۱۳۲۶ تحصیلات دبیرستان را به پایان رساند.

۱۳۲۰

وارد حوزه علمیه قم شد و تحصیلات حوزوی را تا نایل به درجه اجتهاد ادامه داد.

۱۳۲۱

در چهارده سالگی مقاله‌ای با عنوان «رنج تا کی؟» در روزنامه استوار چاپ قم منتشر کرد و در آن به
شرح دردها و آرزوهای مردم پرداخت.

۱۳۲۹

وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در رشته اقتصاد تحصیلش را آغاز کرد. در سال ۱۳۳۲
از این دانشگاه فارغ التحصیل شد. او از نخستین روحانیونی بود که در دانشگاه به تحصیل علوم
جدید پرداخت. در همین دوره در کنار تحصیل دانشگاهی به تحصیل و تدریس در حوزه نیز
مشغول بود.



۱۳۳۳

برای تکمیل تحصیلات حوزوی به نجف رفت و به «جمعیه منتدی النشر» پیوست و به عضویت کادر علمی آن درآمد.

۱۳۳۴

با بانو پروین خلیلی دختر شیخ عزیزالله خلیلی ازدواج کرد و از او صاحب چهار فرزند شد: صدرالدین (۱۳۳۵) و حمید (۱۳۳۸) و حوراء (۱۳۴۱) و ملیحه (۱۳۵۰).

برای نخستین بار و به دعوت علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین به شهر صور در لبنان رفت. پس از این سفر، سید شرف‌الدین به اهالی صور توصیه کرد که از سید موسی برای جانشینی او دعوت کنند. بار دیگر، سید موسی صدر در سال ۱۳۳۶ به این شهر سفر کرد.

۱۳۳۷

به قم بازگشت و با همکاری عده‌ای از فضلاء این شهر، مجلهٔ مکتب اسلام را پایه‌گذاری کرد و خود سردبیری آن را به عهده گرفت. او در چندین مقاله دربارهٔ رویکرد و شیوهٔ اقتصادی اسلام نوشت. مکتب اسلام نخستین مجلهٔ فرهنگی اسلامی بود که حوزهٔ علمیّهٔ قم منتشر می‌کرد.

۱۳۳۸

اواخر این سال با دعوت اهالی صور به این شهر مهاجرت کرد و فعالیت خود را در جایگاه عالم دین و جانشین علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین آغاز کرد.

فعالیت اجتماعی و تشکیلاتی خود را با احیای جمعیت احسان و نیکوکاری آغاز کرد و به دنبال آن، مؤسساتی عام‌المنفعه در زمینه‌های آموزشی-تربیتی، فنی‌وحرفه‌ای، بهداشتی، اجتماعی و حوزوی پایه‌گذاری کرد. برگزاری دوره‌های سوادآموزی، مبارزه با نکدی‌گری در شهر صور و حومه آن با اجرای طرحی حمایتی شامل برنامه‌های بهداشتی و اجتماعی، راه‌اندازی صندوق صدقات از دیگر اقدامات او در این دوره است. ارتقای سطح آگاهی‌های اجتماعی و دینی و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و توسعه جامعه از جمله دستاوردهای این اقدامات بود.

پیامی مکتوب به وزیر بهداشت لبنان، صلاح سلمان، ارسال کرد و بر هموار کردن راه برای تصویب قانون پیوند اعضا تأکید کرد.

به ایران آمد و با رجال مؤثر حوزه و بازار دیدار کرد و گزارشی از لبنان و فعالیت‌ها و اقدامات خود به آنان ارائه کرد. از جمله فعالیت‌های او در این سفر ایراد سخنرانی در منزل آقای نوید به دعوت انجمن اسلامی معلمین و شخص مهندس مهدی بازگان و نیز سخنرانی در کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد به دعوت استاد محمدتقی شریعتی بود.

مؤسسه فنی حرفه‌ای
جبل عامل، دکتر
مصطفی چمران در میان
دانش آموزان مدرسه.



۱۳۴۲

۱۸ خرداد: در مراسم ترحیم پاپ ژان بیست و سوم در شهر صور شرکت کرد و دربارهٔ او گفت: «دیدگان عدالت و محبت و آزادی و تواضع بر ایشان گریان است.» او در سخنان خود دربارهٔ نامهٔ سرگشادهٔ پاپ فقید با عنوان «سلام به زمین» توضیحاتی به حاضران ارائه کرد.

۱۵ تیر: تنها روحانی مسلمانی بود که به مراسم تاج‌گذاری پاپ پل ششم در رم دعوت شد. او در ملاقات‌هایی که در واتیکان داشت، رنج ملت ایران و روحانیان را در حکومت شاه و مسئلهٔ آزادی امام خمینی را از زندان با آنان در میان گذاشت.

۳۰ مرداد: پس از بازگشت از سفر دوماهه به اروپا، اعلام کرد که هدف او از این سفر، آشنایی با تمدن‌های جدید و زمینه‌های پیشرفت در آن‌ها بوده است.

۱۳۴۳

۱۷ فروردین: پس از دعوت نهاد هم‌اندیشی لبنان از وی برای سخنرانی دربارهٔ ساختار فرقه‌ای و ترکیب جمعیتی لبنان و گفت‌وگوی پیروان ادیان و مذاهب، به همکاری و فعالیت مشترک با این نهاد پرداخت. بسیاری از شخصیت‌های فکری و فرهنگی و علمی و اجتماعی و سیاسی از همهٔ فرقه‌های لبنان در آن عضو بودند. امام صدر چندین سخنرانی در این نهاد ایراد کرد؛ از جمله «اسلام و فرهنگ قرن بیستم».

خانهٔ دختران و مدرسهٔ الهدی را تأسیس کرد. در خانهٔ دختران، علاوه بر سوادآموزی، رشته‌های خیاطی و خانه‌داری آموزش داده می‌شد. مدرسهٔ الهدی نیز شامل کودکان و کلاس اول ابتدایی بود.

امام موسی صدر در یکی از سفرها به مشهد. استاد محمد تقی شریعتی، استاد بدیع الزمان فروزانفر و حجة الاسلام و المسلمین محمد واعظ‌زاده خراسانی در عکس دیده می‌شوند

۱۳۴۴

به ایران سفر کرد و به شهرهای تهران و قم و اصفهان و شیراز و کاشان رفت. در این سفر امام صدر سخنرانی «ضرورت تجدیدنظر در شیوه‌های تبلیغ» را در دارالتبلیغ قم ایراد کرد. نیز در تیمچهٔ بازار کاشان «علی موحد بود و بس» را برای مخاطبان ایراد کرد.

۱۳۴۵

۲۴ مرداد: در محل سندیکای روزنامه‌نگاران، کنفرانسی





امام موسی صدر، سخنرانی در داکار پایتخت
سنگال، ۱۳۴۶

مطبوعاتی برگزار کرد و در آن به تبیین عوامل و نیازها برای ساماندهی وضعیت شیعیان لبنان پرداخت. این ساماندهی پس از مطالعات و رایزنی‌ها و فعالیت‌هایی فشرده صورت گرفت و در نهایت، به تصویب قانون تأسیس مجلس اعلای شیعیان در پارلمان انجامید. این اقدام، مقدمه‌ای بود برای حرکت عمومی مطالبه‌آمیز در سطح لبنان برای توسعه و محرومیت‌زدایی و دفاع از سرزمین و مردم جنوب.

۱۹ بهمن: در دانشگاه آمریکایی بیروت به مناسبت صدمین سالگرد تأسیس این دانشگاه و برگزاری سلسله سخنرانی‌های «خدا و انسان در اندیشه

اسلامی معاصر» سخنرانی کرد. عنوان سخنرانی او عبارت بود از «اسلام و کرامت انسان».

۱ اسفند: به آفریقای غربی سفر کرد تا با لبنانی‌های مهاجر ساکن آن منطقه آشنا شود و ضمن رسیدگی به امور آنان، برای پیوند دادن آنان به کشورشان تلاش کند. او با رئیس‌جمهور ساحل عاج، اوفو بوانیه، ملاقات کرد و در دیدار با رئیس‌جمهور سنگال، لئوپولد سیدار سِنگور، کمکی نمادین به کودکان یتیم سنگال تقدیم کرد. سِنگور این اقدام امام را ستود و گفت که با اهتمام خاصی فعالیت‌های امام را دنبال می‌کند و این فعالیت‌ها تأثیر فراوانی در گسترش مهرورزی و ایمان در میان شهروندان دارد.

۱۳۴۶

۲۵ اردیبهشت: در دانشگاه داکار درباره «ابعاد اجتماعی اسلام» سخنرانی کرد. در این مراسم، اعضای انجمن دانشجویان مسلمان و جمعی از لبنانیان ساکن سنگال حضور داشتند.

۲۸ آذر: مقدمه‌ای با عنوان «دین و علم» برای کتاب العلوم الطبیعیة فی القرآن تألیف دکتر یوسف مروءه نوشت و در آن به تبیین پیوند میان علم و دین پرداخت.

۱۳۴۷

اردیبهشت: در دانشگاه استراسبورگ فرانسه سخنرانی کرد. موضوع سخنرانی او «شیعه امامیه» بود.

۳۱ شهریور: مقدمه‌ای بر کتاب فاطمة الزهراء وتر في غمد (فاطمه زهرا زهی در نیام) به درخواست سلیمان کتانی، نویسنده مسیحی کتاب نوشت. این کتاب در مسابقه حضرت زهرا (س) در نجف اشرف جایزه اول را کسب کرد.

۲۵ آذر: با برگزاری ضیافت افطار، کار جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای انقلاب فلسطین را آغاز کرد. او پیش از این، از آیت‌الله سید محسن حکیم درباره جواز مصرف وجوهات شرعی در راه حمایت از مقاومت، استفتا کرده بود.

۱۳۴۸

۱ خرداد: به ریاست مجلس اعلای شیعیان برگزیده شد. او مذاهب اسلامی را به یک‌پارچه‌سازی شعار دینی دعوت کرد و درباره خطر فزاینده صهیونیسم هشدار داد و بر حمایت خود از مقاومت فلسطین به‌منظور آزادسازی سرزمین‌های اشغالی تأکید کرد.

۸ خرداد: اعلام کرد که فرقه‌های متعدد در لبنان پنجره‌هایی تمدنی به سوی دنیاست.

۳۱ مرداد: بیانیه‌ای خطاب به مسلمانان و مسیحیان در محکومیت به آتش کشیدن مسجد الاقصی صادر کرد. صهیونیست‌ها این مسجد را به آتش کشیده بودند.

۹ مهر: در نامه‌ای تاریخی خطاب به شیخ حسن خالد، مفتی اهل سنت لبنان، او را به یک‌پارچه‌سازی نیروها و رشد دادن شایستگی‌ها دعوت کرد و پیشنهاد داد که تلاش برای وحدت شعار عبادی اسلامی آغاز شود، زیرا این کار، زمینه دستیابی به هدفی برتر یعنی وحدت در فقه و نیز اقدامات مشترک و موضع واحد در قبال مسائل همه مسلمانان و خصوصاً مسلمانان لبنان است. نامه امام صدر دربردارنده پیشنهادی روشن درباره استفاده از ابزار علمی برای رؤیت هلال ماه بود تا به این صورت تعیین دقیق روز عید امکان‌پذیر باشد.

۹ بهمن: همه را به دفاع از جنوب در برابر تجاوزهای اسرائیل فراخواند و خواستار مسلح کردن شهروندان و آموزش دفاعی آنان و تصویب قانون خدمت سربازی اجباری و نیز اجرای طرح‌های توسعه‌ای شد، و از مردم خواست که در روستاهای خود بمانند.

۱۶ اسفند: به عضویت دائم شورای مجمع پژوهش‌های اسلامی قاهره انتخاب شد.

۲۰ اسفند: با جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، دیدار کرد. در این دیدار سه ساعته، درباره مسائل وقت جهان عرب و جهان اسلام و تحکیم وحدت اسلامی و عربی به‌منظور یک‌پارچه‌سازی تلاش‌ها

برای مقابله با دشمن صهیونیستی و آزادسازی فلسطین و تحکیم وحدت لبنان و اهتمام به ساماندهی روابط میان لبنان و مقاومت فلسطین گفت‌وگو شد. بنابر نقل روزنامه‌های مصر، عبدالناصر امام صدر را تا خودرو بدرقه کرد و از او خواست که دیدار خود را از مصر به مدت یک هفته تمدید کند.

۱۳۴۹

۳۰ اردیبهشت: هیئت یاری جنوب را با مشارکت رهبران ادیان و مذاهب لبنانی تأسیس کرد.
۵ خرداد: فراخوانی برای اعتصاب مسالمت‌آمیز عمومی داد. اقشار مختلف مردم و فرقه‌ها و گروه‌های بسیار از سرتاسر لبنان در این اعتصاب مشارکت کردند. در نتیجه این اعتصاب، دولت «مجلس جنوب» را با هدف مقاومت‌سازی و توسعه جنوب و محرومیت‌زدایی از آن تأسیس کرد.
۱۹ مرداد: برای حمایت از مسئله فلسطین، سفری دوره‌ای به چند پایتخت اروپایی را آغاز کرد و در کنفرانسی مطبوعاتی در دفتر اتحادیه عرب در شهر بن آلمان، به تبیین حقیقت مسئله فلسطین پرداخت و تلاش برای یهودی‌سازی بیت‌المقدس را محکوم کرد.

۸ شهریور: در گفت‌وگویی مطبوعاتی در فرانسه گفت: «فاجعه فلسطین لکه سیاهی در وجدان جهانی است و مبارزه ملت فلسطین دفاع از ادیان و قداست قدس است. اسرائیل دولتی نژادپرست و توسعه‌طلب است و لبنان با توجه به همزیستی ادیان در آن، ضرورتی دینی و تمدنی به شمار می‌آید.»
۱۰ مهر: در تشییع جنازه جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، شرکت کرد.

۹ آذر: درباره جواز فقهی رؤیت هلال ماه عید با ابزارهای علمی جدید سخنرانی کرد.

۱۱ اسفند: به دعوت ملک حسن دوم به مغرب رفت و ضمن بازدید از مراکز و مؤسسات دینی و فرهنگی اسلامی و عربی، در دانشکده شریعت دانشگاه قرویین در شهر فاس سخنرانی کرد.

۱۳۵۰

۹ فروردین: در ششمین نشست مجمع پژوهش‌های اسلامی قاهره شرکت کرد و مقاله‌ای با عنوان «اسلام، ارزش‌ها و مفاهیم انسانی» ارائه داد.

۱۳ فروردین: از جبهه کانال سوئز بازدید کرد و چند هفته در این منطقه حضور داشت. در این ایام با رزمندگان و در مساجد

امام موسی صدر در پنجمین کنفرانس مجمع پژوهش‌های اسلامی در قاهره، ۱۳۴۸/۱۲/۱۵ شیخ محمد الفحاح، رئیس الأزهر در عکس دیده می‌شود.



شهر، نماز جماعت برپا کرد و خواستار تمسک جستن به دین و اعلان جهاد مقدس در راه آزادسازی فلسطین شد.

۲۵ اردیبهشت: مفتی آسیای میانه و قزاقستان، شیخ ضیاءالدین باباخانوف و هیئت همراه را به حضور پذیرفت.

۷ تیر: مصطفی عقاد، کارگردان و فیلم‌ساز، در نامه‌ای به امام صدر از وی خواست متن فیلمنامه «محمد رسول الله» را تأیید کند. مجلس اعلای شیعیان نیز پس از پیشنهاد اصلاحاتی در فیلمنامه، موافقت رسمی خود را با آن اعلام کرد.

۱ مرداد: در کنفرانسی مطبوعاتی تأکید کرد که وجود فرقه‌ها در لبنان خیر مطلق، ولی نظام فرقه‌ای شرّ مطلق است که فتودالیسم سیاسی به آن رنگ قداست بخشیده است. بر این اساس، خواستار لغو فرقه‌گرایی شد.

۲۹ شهریور: در پی تجاوز اسرائیل به جنوب، خواستار تأمین تجهیزات دفاعی جدید و توسعه و افزایش پناهگاه‌ها و مستحکم‌سازی روستاها شد.

۱۰ آذر: نامه‌ای به کشیش انگلیسی هیربرت آدامز درباره حقیقت وضعیت انسان در منطقه خاورمیانه نوشت. او در این نامه، مسیحیان جهان را دعوت کرد که درباره اتفاقات خطرناک در فلسطین حساس و هوشیار باشند.

بهمن: به ایران سفر کرد و دیدارهایی با خانواده و مراجع و دوستان ایرانی داشت. در این سفر به شهرهای قم و اصفهان و مشهد رفت. به پیشنهاد برخی شخصیت‌ها از جمله شهید مرتضی مطهری و شهید دکتر بهشتی برای جلوگیری از ریختن خون جوانان زندانی سازمان مجاهدین با شاه دیدار کرد. افزون بر این، او برای آزادی دیگر زندانیان سیاسی از جمله مرحوم علی اکبر هاشمی رفسنجانی تلاش کرد.

۱۳۵۱

۲۱ شهریور: در پی حملات اسرائیل به جنوب لبنان، با ارسال تلگراف‌هایی به رهبران دینی و مذهبی جهان، آنان را به واکنش در برابر تجاوزات اسرائیل فراخواند.

۲۹ شهریور: در شهرک جُویّا در جنوب لبنان، بیانیه‌ای درباره خطرهای ناشی از افزایش تجاوزهای اسرائیل به جنوب صادر کرد. او فعالیت سیاسی و تبلیغاتی خود را برای حمایت از ایستادگی مردم

جنوب افزایش داد و بیانیه‌هایی خطاب به افکار عمومی در داخل و خارج کشور صادر کرد. در مساجد و کلیساها و دانشگاه‌ها به سخنرانی و ایراد خطبه پرداخت و درباره پیامدهای کوتاهی دولت در پذیرفتن مسئولیت‌هایش در خصوص دفاع از جنوب و توسعه مناطق محروم هشدار داد.

۱۰ مهر: به دعوت مؤسسه رشد و توسعه سوئد به استکهلم رفت و از مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی و درمانی این کشور بازدید کرد.

۳ آذر: به دعوت مفتی آسیای میانه و قزاقستان، شیخ ضیاءالدین باباخانوف، در رأس هیئتی از علمای شیعه، به شوروی سفر کرد و در مسجد جامع بزرگ مسکو با حضور هزاران نمازگزار، نماز خواند. سپس، درباره اوضاع شرق و تجاوزهای اسرائیل و چشم طمع آن به شرق سخن گفت. دکتر مصطفی چمران در این سفر همراه امام بود.

۵ بهمن: برای ادای مناسک حج، عازم عربستان سعودی شد و با ملک فیصل، پادشاه این کشور، دیدار کرد. تلاش برای وحدت مسلمین و مسئله مقدسات اسلامی شهر بیت المقدس موضوع گفت‌وگوی او با فیصل بود. در ادامه، به بحرین و قطر و امارات متحده عربی رفت و با پادشاهان این کشورها ملاقات کرد.



۱۳۵۲

۳۰ اردیبهشت: در خطبه نماز جمعه اعلام کرد که تلاش برای آزادسازی فلسطین تلاش برای نجات مقدسات اسلامی و مسیحی و تلاش برای آزادسازی انسان است. او خواست که نام خدا در زمین بی اعتبار نشود، چراکه صهیونیسم با رفتارهایش نام خدا را بی اعتبار می کند.

۳۱ تیر: برای شرکت در همایش اندیشه اسلامی در شهر تیزی اوزوی الجزایر به این کشور رفت. وی در این همایش مقاله ای با عنوان «روح تشریع در اسلام» ارائه کرد. شماری از علمای برجسته اهل تسنن نقدهایی به دیدگاه های امام صدر وارد کردند و امام نیز به این نقدها پاسخ داد.

۱۷ مهر: پس از آغاز جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳، به جهاد دعوت کرد و موجی تبلیغاتی به منظور جمع آوری کمک برای یاری رزمندگان به راه انداخت.

۲۶ اسفند: به همراه صدهزار نفر در تجمع مردمی شهر بعلبک سوگند یاد کرد که تا آن زمان که در لبنان فرد یا منطقه محرومی باقی است، آرام ننشیند. این تجمع به شکل گیری «جنبش محرومان» انجامید.

۱۳۵۳

۶ اردیبهشت: به دعوت دانشجویان مدرسه عالی ادبیات، با شرکت در سمیناری درسی، مطلبی با عنوان «امام شهادت» ارائه داد و درباره مفاهیم شهادت و پیوند آن با نبرد حق بر ضد باطل، سخن گفت.

اردیبهشت: برای شرکت در «کنفرانس صلح» یونسکو به پاریس سفر کرد. در این سفر او با شخصیت های مختلفی از جمله کاردینال مارتی، اسقف اعظم مسیحیان فرانسه، دیدار کرد.
۷ خرداد: همگان را به برگزاری تجمعی در شهر صور دعوت کرد. در این تجمع ۱۵۰ هزار نفر همراه با او سوگند یاد کردند که مطالبات خود را برای احقاق حقوق همه محرومان پیگیری کنند.



امام موسی صدر، تجمع
اعتراضی مردمی در شهر
صور، ۱۳۵۳/۳/۷

۷ تیر: با سفر به مراکش، در مراسم ترحیم علال الفاسی شخصیت مشهور این کشور حضور یافت. او در این سفر با ملک حسن دوم، پادشاه مراکش، و مسئولان ارشد این کشور دیدار و از مؤسسات فرهنگی و علمی آنجا بازدید کرد.

۲۹ آبان: «سند فرهیختگان» در حمایت از جنبش مطالبه‌گرانه امام صدر با امضای ۱۹۰ نفر از شخصیت‌ها و رهبران فکری و فرهنگی لبنان از همه گروه‌ها و فرقه‌ها صادر شد.

۳۰ بهمن: به دعوت پدران کلیسای کبوشیین بیروت در منسک آغاز روزه مسیحیان شرکت و خطبه آغاز روزه را القا کرد. او نخستین عالم مسلمان بود که در کلیسا خطبه خواند.

۱۶ اسفند: در مسجد العمري شهر صیدا بر پیکر شهید معروف سعد نماز خواند.

۱۳۵۴

۹ فروردین: در جلسه مجمع عمومی مجلس اعلای شیعیان لبنان، موادی از قانون مجلس اعلای اصلاح شد و امام صدر مجدداً و تا سن ۶۵ سالگی به ریاست این مجلس انتخاب شد.

۲۹ فروردین: با آغاز جنگ داخلی لبنان در فروردین ماه، امام صدر برای خاموش کردن فتنه و آرام کردن اوضاع لبنان به تکاپو افتاد و پی‌درپی بیانیه‌هایی هشدارآمیز درباره توطئه‌های دشمن و برنامه‌ریزی برای فتنه‌انگیزی صادر کرد، و لبنانیان را به پاسداری از میهن فراخواند. او بر جایگاه انقلاب فلسطین در قلب خود تأکید کرد و از فلسطینیان خواست که از ورود به جنگ داخلی لبنان پرهیز کنند.

۳۱ فروردین: با دعوت امام صدر و زیر نظر او، اقدامات لازم برای تشکیل «هیئت گفت‌وگوی ملی»، مشهور به کمیته ۷۷ نفره، صورت گرفت. او خطامشی کلی این کمیته را محافظت از همزیستی و تکیه بر گفت‌وگو و ابزارهای دموکراتیک برای اصلاحات و پاسداری از انقلاب فلسطین تعیین کرد. اعضای این هیئت، نمایندگان گروه‌های سیاسی و مذهبی از همه گروه‌ها و جریان‌ها و مناطق لبنان بودند.

۶ تیر: در اعتراض به ادامه جنگ داخلی، در مسجد الصفاي مجتمع آموزشی عاملیه بیروت، دست به اعتصاب زد و به عبادت و روزه‌داری مشغول شد. پس از پنج روز، در دهم تیرماه و در اثر محاصره روستاهای مسیحی‌نشین القاع و دیرالأحمر در بقاع و علی‌رغم محقق نشدن همه مطالبات به اعتصاب خود پایان داد و به این روستاها رفت تا محاصره را بشکند و فتنه فرقه‌ای را خاموش کند. مسلمانان این دو روستا را محاصره کرده بودند.

امام موسی صدر، اعتصاب غذا در اعتراض به جنگ داخلی لبنان. تابستان ۱۳۵۴



۱۵ تیر: در کنفرانسی مطبوعاتی، خبر شکل‌گیری جنبش امل (گروه‌های مقاومت لبنانی) را اعلام کرد. این جنبش قبلاً در چند میدان بر ضد دشمن صهیونیستی وارد مبارزه شده بود.

۴ مرداد: در نهمین همایش اندیشه اسلامی در شهر تلمسان الجزایر، مقاله‌ای با عنوان «عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام و اوضاع کنونی امت اسلامی» ارائه داد.

۱۲ مهر: همه را به برگزاری نشست رهبران دینی همه مذاهب و فرقه لبنان در مقر کلیسای مارونی در بکرکی دعوت کرد. برگزاری این نشست به کاسته شدن تنش‌ها منجر شد.

۳۰ آذر: در باشگاه فرهنگی امام صادق (ع) سخنرانی کرد و درخصوص سه خطر هشدار و خواستار مبارزه با آن‌ها شد: اول. خطر تجزیه کشور، زیرا موجب پیدایش اسرائیلی دیگر در قلب کشور می‌شود؛ دوم. خطر تجاوزهای اسرائیل که ایستادگی در برابر آن‌ها واجب شرعی و تاریخی و ملی ماست؛ و سوم. خطر از بین بردن جنبش مقاومت فلسطین. وی گفت: اسرائیل شر مطلق و خطری بر ضد اعراب، از مسلمان و مسیحی، و خطری بر ضد آزادی و کرامت است.

۱۳۵۵

۱۱ فروردین: برای نزدیک کردن دیدگاه‌های رهبران سوریه و رهبران مقاومت فلسطین سخت تلاش کرد و پیوند آن‌ها را تقدیر آن‌ها دانست و درگیری میان آن‌ها را موجب سرنگونی لبنان و تضعیف مقاومت و زیان برای سوریه و فلسطین خواند. او در این خصوص گفت: «تنها کسی که از این درگیری‌ها بهره می‌برد، اسرائیل است.»

۲۴ اردیبهشت: در جلسات رهبران مذاهب اسلامی لبنان در عرمون مشارکت کرد. در این نشست‌ها با «سند قانون اساسی» موافقت شد. این سند را رئیس‌جمهور وقت، سلیمان فرنجیه، اعلام کرده بود. امام این سند را سرآغاز صلح و آشتی ملی در لبنان خواند.

۲ خرداد: با طرح سکولاریزاسیون و خوداداری منطقه‌ای به شدت مخالفت کرد و آن را عامل از بین رفتن دستاوردهای مؤمنان و ایجاد ذهنیت جدایی طلبانه دانست که زمینه را برای تجزیه لبنان فراهم می‌کند.

مهر و آبان: تلاش‌های فشرده‌ای نزد رهبران عرب برای پایان دادن به جنگ داخلی لبنان انجام داد. این تلاش‌ها منجر به برگزاری نشست ریاض در ۲۴ مهر و نشست سران عرب در قاهره در ۳ آبان و نیز ورود نیروهای بازدارنده عربی به لبنان شد.

۲۷ دی: تأکید کرد که لبنان ضرورتی تمدنی برای جهان است و همزیستی در لبنان، مزیت خاص لبنان است و صلح و آشتی، سرنوشت تاریخی و حتمی اسلام و مسیحیت است.

۱۳۵۶

۲۱ اردیبهشت: طرحی پیشنهادی برای اصلاحات سیاسی و اجتماعی ارائه کرد. در این طرح که خواستار بازسازی کشور و نهادهای آن در عین حفظ همزیستی مشترک و مبارزه با خطر صهیونیسم بود، تأکید شده بود که «لبنان وطن نهایی همه شهروندانش است.»

۲۳ مرداد: در مراسمی که به مناسبت چهلمین روز درگذشت دکتر علی شریعتی برگزار شد، به حمله‌های خود بر ضد نظام شاه در ایران و حمایت فکری و عملی خود از نهضت اسلامی در ایران شدت بخشید.



۱۵

امام موسی صدر در حال اقامه
نماز بر پیکر دکتر علی شریعتی
در حرم حضرت زینب (س)،
دمشق، تابستان ۱۳۵۶

۲۴ بهمن: به سنگال و ساحل عاج سفر کرد تا ضمن دیدار با لبنانیان مقیم این کشورها، چند طرح دینی و اجتماعی را افتتاح کند.

۲۷ اسفند: در پی حمله اسرائیل به لبنان، سفر خود را به آفریقا ناتمام گذاشت و به لبنان بازگشت.

۱۳۵۷

مرداد: به دنبال حمله اسرائیل به لبنان، امام صدر در سفری دوره‌ای به دیدار عده‌ای از رهبران عرب رفت تا برای اجرای قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت سازمان ملل و پایان دادن به بحران جنوب لبنان تلاش کند.



امام موسی صدر، فرودگاه بیروت

۱ شهر یور: در روزنامه لوموند فرانسه مقاله‌ای درباره گسترش خیزش مردمی در ایران با عنوان «ندای پیامبران» منتشر کرد.

۳ شهر یور: در ادامه سفر دوره‌ای همراه شیخ محمد یعقوب و سید عباس بدرالدین، به دعوت رسمی مقامات لیبی، وارد این کشور شد.

۹ شهر یور: در لیبی ربوده شد.

لیبی ادعا کرد که مهمانانش خاک لیبی را ترک کرده و به ایتالیا رفته‌اند. اما دستگاه‌های قضایی ایتالیا و لبنان پس از تحقیقاتی طولانی، این ادعا را رد و ورود هریک از این سه نفر به مرزهای دریایی، زمینی و هوایی ایتالیا را نفی کردند.

از آن زمان تا کنون، خانواده امام و دوستان و دوست‌داران او، با به‌کارگیری همه ابزارها، به‌ویژه راه‌کارهای قانونی و قضایی ممکن، برای پایان دادن به ناپدیدسازی اجباری امام و دو یارش در لیبی تلاش کرده‌اند.

این تلاش و پیگیری‌های بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر خانواده امام، خصوصاً از طریق کانال‌های رسمی و قضایی در لبنان و ایتالیا و غیر این دو کشور، پافشاری و بی‌توجهی نظام سابق لیبی را در هم شکست و قذافی به جنایت ربودن امام و دو همراهش در لیبی اعتراف کرد.

پس از تحولات اخیر لیبی، علی‌رغم اینکه مقامات لیبی بر مسئولیت نظام قذافی در ربودن امام موسی صدر و دو یار همراهش تأکید کرده بودند و وعده داده بودند که در این خصوص با مقامات لبنانی همکاری کنند، وضعیت نابسامان سیاسی این کشور، رسیدن به نتیجه مطلوب را دشوار کرده است. اما تلاش‌های خانواده و دوستان امام صدر، با حمایت برخی مقامات لبنان تا آزادسازی امام و دو یارش و بازگشت آنان به میهن، متوقف نخواهد شد.